

داستان



در قسمت های گذشته از اسارت زنی در یک کلبه دورافتاده، خارج از شهر و فرار ناموفق او خواندیم، اکنون ادامه ماجرا:

نیلوفر کبود

قسمت پایانی

پنهان کرد. شب آرام آرام جادر سیاهش را بر دست گسترانید. همه جا سکوت بود و جز صدای زوزه گرگ و ناله جغد چیزی به گوش نمی رسید. مرد کاسه سوب را روی میز جلوی زن گذاشت. طناب را از دور دست های زن باز کرد و گفت:

زاد بعد نعره ای کشید. زن را راجا بلند کرد و به زمین کوبید و شروع به کتک زدن او کرد... مدتی بعد زن را رها کرد و گوشه ای خرید... سرش را روی زانو گذاشت و شروع به گریستن کرد...

داستان

به فاصله یک دیوار آجری

داستان



بین من و خانواده شاد همسایه کناری تنها یک دیوار آجری چینی شده فاصله است. شب ها وقتی از سر کار خسته به خانه می آیم، صبر می کنم تا زمان شام خوردنشان برسد، معمولا حوالی ساعت نه شام می خورند. این را از هیاهوی بچه های که آمدن پدرشان را با خالی می کنند، صدای دخترانه می گویند:

در دهان می گذارم. پسر کوچک خانواده می گوید: «خوشمزه شده مامان» و پشت بندش بقیه تائید می کنند و آخر سر صدای مردانه می گویند: «دستت درد نکند»

داستان

بدرقه ی بی انتها



ایستاده بودم روی جاده که آمد، جاده سیاه و پر پیچ و خم بود. دست بسپرک دوست داشتمی ام در دستان زبیا و ظرفیش بود. نگاهشان میکردم. چشمان زیتونی گیرایش نگاهم کرد. گفتم: تشکیبا نرو بیزار عید با هم بریم. احم با نمکی کرد. دواز همان احم ها که وقتی میگویمت بریم اسباب بازی فروشی می کرد. گفت: تو قسول دادی

داستان

راه بی پایان



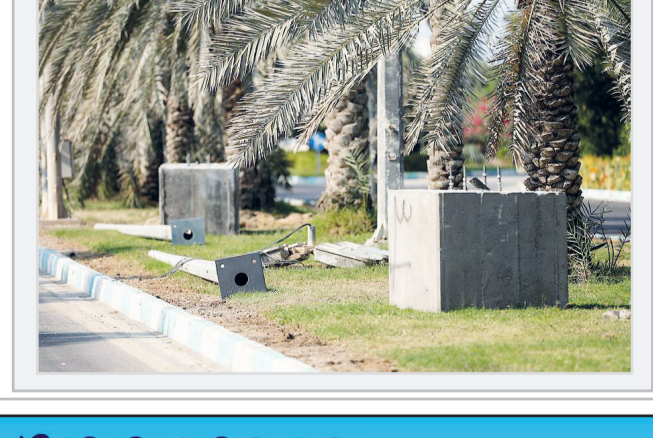
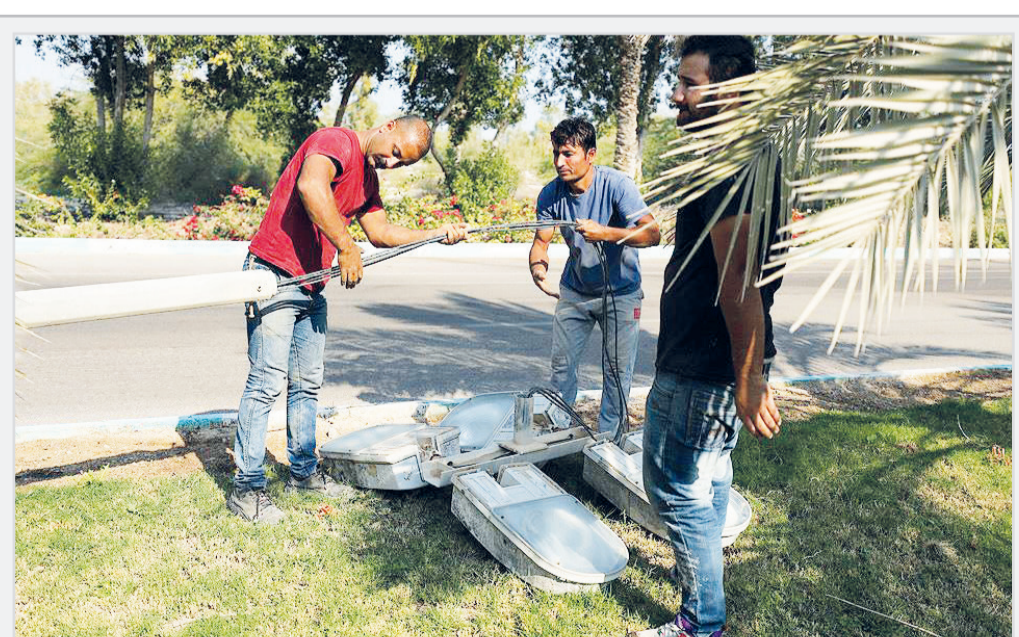
هزار سال است که هر شب خاکستر زوایایمان را، به یاد می دهیم تندیس واژه ها را، قاب می گیریم روی ایوان صبح می گذاریم. تاریخ را می ورق می زنیم زخم خورده خسته پوست می اندازیم هزار سال است بی توقف شعر می خوانیم غزل می سراییم حساسه می سازیم قانون وضع می کنیم زبانم لال خدا را به زنجیر می کشیم... صدقات را در تصویر آینه ها همین آینه های ریاکار و سرگردان جستجو می کنیم

هزار سال است که هر شب خاکستر زوایایمان را، به یاد می دهیم تندیس واژه ها را، قاب می گیریم روی ایوان صبح می گذاریم. تاریخ را می ورق می زنیم زخم خورده خسته پوست می اندازیم هزار سال است بی توقف شعر می خوانیم غزل می سراییم حساسه می سازیم قانون وضع می کنیم زبانم لال خدا را به زنجیر می کشیم... صدقات را در تصویر آینه ها همین آینه های ریاکار و سرگردان جستجو می کنیم

بازسازی فونداسیون چراغ های روشنایی بلوار هاشمی رفسنجانی در کیش



عکس: جعفر همافر



اقتصاد کیش پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش روزنامه